

## بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال (مورد مطالعه: زنان روستایی شهرستان نجف آباد)

زینب شریفی<sup>۱\*</sup>، هوشنگ ایروانی<sup>۲</sup> و ژیلا دانشور عامری<sup>۳</sup>  
 تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۸ صص ۲۳۶-۲۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۶

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، زنان روستایی ۱۵-۶۴ سال ساکن در روستاهای شهرستان نجف آباد بود که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برآورد شد و ۱۸۰ نفر از زنان روستایی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب انتخاب شدند. در این مطالعه، ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود که برای روایی ابزار تحقیق، از روش اعتبار محتوایی استفاده گردید و مورد تأیید اساتید دانشگاه تهران قرار گرفت و پایایی آن با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ( $> 0/8$ ) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله‌ی نرم افزار SPSS انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد، گرایش به اشتغال بیش از نیمی از زنان روستایی متوسط رو به بالا بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین میزان گرایش گروه‌های مختلف زنان روستایی به اشتغال بر اساس وضعیت تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام، وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌دار وجود نداشت. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن بود که بین میزان مطالعه در روز و نیز نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه‌ی مثبت معنی‌دار و بین میزان مرد سالاری در خانواده و گرایش زنان روستایی به اشتغال، رابطه‌ی منفی معنی‌دار وجود داشت؛ در حالی که بین میزان آزادی تحرک اجتماعی و گرایش آنان به اشتغال، رابطه معنی‌دار نبود. افزون بر این، زنان روستایی ۲۰ سال و پایین‌تر و نیز زنان روستایی با سطح تحصیلات بالاتر گرایش بیشتری به اشتغال داشتند.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه یاسوج

<sup>۲</sup> استاد و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

واژه‌های کلیدی: گرایش، اشتغال، مردسالاری، زنان روستایی.

## مقدمه

یکی از شاخص‌های توسعه در هر جامعه، میزان رشد و بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعداد‌های نیروی انسانی آن جامعه است (Nakhoda et al, 2014). زنان نیمی از نیروی انسانی جامعه هستند و وضعیت آنان در هر جامعه‌ای بیانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و اعتلای کشورها در گروی استفاده‌ی هدفمند از همه‌ی نیروها و استعداد‌های انسانی از جمله زنان است (Nouripour et al, 2014). مشارکت زنان در امر اشتغال، یکی از پیامدهای اساسی گسترش توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شود (Sharbatian, 2009). رسیدن به توسعه‌ی برابر و پایدار در جامعه، بدون در نظر داشتن نقش و جایگاه زنان روستایی در کشور، امری دست نیافتنی است (Rezaei & Vadadi, 2014). وضعیت فعالیت‌های زنان در ایران، گویای این واقعیت است که اشتغال زنان روستایی در وضعیت مناسبی قرار ندارد، به طوری که فقط ۱۷ درصد از شاغلان روستایی را زنان تشکیل می‌دهند که در مقایسه با میزان اشتغال متعارف زنان (۳۰ درصد) پذیرفتنی نیست (Yaghoubi Farani et al, 2014). اشتغال زنان روستایی ضمن افزایش درآمد خانواده، به‌واسطه‌ی کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، تأمین هزینه‌های خانوار به عنوان سرپرست و نیز کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نهایت کل جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (Yaghoubi Farani et al, 2015). اما قبل از هر گونه تلاش برای بهبود وضعیت اشتغال زنان روستایی، لازم است ابتدا نگرش و گرایش زنان روستایی به اشتغال بررسی شود. بنابراین، در این تحقیق، بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه‌ی اشتغال زنان و گرایش زنان روستایی به اشتغال، مطالعاتی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یعقوبی فرانی و همکاران (Yaghoubi Farani et al, 2014) در مطالعه‌ای به شناسایی بازدارنده‌های گرایش زنان روستایی به مشاغل خانگی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که نگرش زنان روستایی به راه اندازی مشاغل خانگی در حد مطلوبی است.

سواری و همکاران (Savari et al, 2014) به تحلیل نگرش زنان روستایی شهرستان دیواندره نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این بود که بیشتر زنان مورد مطالعه، نگرش مساعدی نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی نداشتند. نتایج مقایسه‌ی میانگین‌ها نیز نشان داد بین نگرش آنان بر اساس متغیرهای تعداد اعضای خانوار، استفاده از رسانه‌های ارتباطی، دریافت آموزش، درآمد خانوار، سطح تحصیلات اختلاف معناداری وجود داشت. در

حالی که بین نگرش زنان روستایی نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی بر اساس متغیر سن و وضعیت تأهل، اختلاف معناداری وجود نداشت.

تقی بیگی و همکاران (Taghibaygi et al, 2014) در پژوهشی به بررسی راهکارهای مناسب توسعه‌ی مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان پرداختند. نتایج مطالعات همبستگی نشان داد ارتباط مثبت و معناداری بین عضویت در تشکل‌ها، سطح تحصیلات زنان و توسعه‌ی مشاغل خانگی وجود دارد، در حالی که بین متغیرهای سن زنان، وضعیت تأهل و توسعه‌ی کسب و کارهای خانگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جمشیدی و همکاران (Jamshidi et al, 2013) در یک مطالعه‌ی موردی به بررسی اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری شهرستان چراداول بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد، کاهش فشار مالی بر سرپرست خانوار، افزایش پس انداز مالی و آینده نگری، افزایش درآمد خانوار، رفاه مالی و اقتصادی، امنیت اقتصادی و پیشگیری از مهاجرت مولدان خانواده، به ترتیب، مهم‌ترین دلایل اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی بوده است.

آگهی و همکاران (Agahi et al, 2012) در پژوهشی به بررسی متغیرهای مؤثر بر توسعه‌ی مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان در شهرستان اسلام آباد غرب پرداختند. نتایج آنان نشان داد، از دید زنان، انگیزه‌ی کسب استقلال بیشتر، یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که باعث توسعه‌ی مشاغل خانگی می‌شود.

تقوی و سلطانی (Taghavi & Soltani, 2009) به بررسی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد، گرایش زنان دانشجو به اشتغال در خارج از خانه با انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و کلیشه‌های جنسیتی آنان رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری دارد.

توسلی و رفیعی خونانی (Tavassoli & Rafiee Khonani, 2008) به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل در بین کارمندان زن سازمان بیمه‌ی خدمات درمانی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد، گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل کمتر از حد متوسط است. هم‌چنین در بین عوامل گرایش به اشتغال، عامل اقتصادی بیشتر از حد متوسط، عامل روان شناختی کمتر از حد متوسط، عامل اجتماعی نیز کمتر از حد متوسط است.

نوری و علی محمدی (Noori & Ali Mohamadi, 2009) در پژوهشی به بررسی و تحلیل نقش و چگونگی فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی ناحیه روستایی برآن از بخش مرکزی شهرستان اصفهان پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد، انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال، در کنار فرصت‌های فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی و چگونگی آن برای زنان منطقه‌ی روستایی برآن است.

امینی و احمدی شاپورآبادی (Amini & Ahmadi Shapourabadi, 2007) در پژوهشی، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار-میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دلیل اصلی اشتغال و تمایل ۹۴ درصد از زنان روستایی نیاز مبرم اقتصادی است.

سفیری (Safiri, 2001) در طرح پژوهشی به بررسی موانع و مشکلات اشتغال زنان و پیامدهای ناشی از آن پرداخته است. در این پژوهش، تمایل به کار در هر دو گروه خانه‌دار و شاغلین سنجیده شد که نشان داد ۸۳ درصد تمایل به کار داشتند. انگیزه‌ی اکثر آن‌ها اقتصادی بوده، سپس انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی مطرح شد.

نتایج پژوهش طالبی فر (Talebi Far, 2001) نشان می‌دهد هرچه نیازهای مالی خانواده بیشتر باشد، به همان میزان تمایل زنان به اشتغال بیشتر است و هرچه برخورداری از استقلال مالی برای زنان اهمیت بیشتری داشته باشند، تمایل آن‌ها به اشتغال نیز بیشتر می‌شود.

با توجه به این‌که بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال مد نظر است، در ادامه، تعاریف مربوط به گرایش و نیز برخی نظریات مرتبط با اشتغال زنان اشاره می‌شود. از نظر لغت شناسی گرایش دارای دو جزء است که هر دو به معنای انطباق می‌باشد. یک جزء آن به معنای استعداد یا تمایل و بیانگر تناسب، صلاحیت و یا توانایی است و جزء دیگر آن از هنر گرفته شده است که معنای اظهار حالت یا اشکال بیان یا مجموعه‌ای از حالات تجسم شده است (Taghavi & Soltani, 2009). در زبان فارسی، واژه‌ی گرایش و در مواردی نگرش را در برابر انگلیسی attitude قرار داده‌اند. در حال حاضر گرایش بیشتر به جنبه‌ی ذهنی و روانی فرد اطلاق می‌شود، هر چند آمادگی برای عمل یا پاسخ دادن به یک محرک هم‌چنان در این تعریف حفظ شده است (Talebi Far, 2001).

آیزن و فیش‌باین (Ajzen & Fishbein, 1977) اشاره می‌کنند رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار قصد و نیت به انجام یک رفتار است. به وجود آمدن قصد و نیت به نوبه‌ی خود تابع دو متغیر دیگر است: ۱- گرایش به سوی آن رفتار؛ ۲- هنجار ذهنی. در طی فرآیند تبدیل گرایش، فرد انجام یک رفتار را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است. هنجار ذهنی منعکس‌کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک کار (رفتار) احساس و ادراک می‌کند (Zaare & Mir Bagheri, 2013).

در زمینه‌ی اشتغال زنان می‌توان به سه نظریه‌ی فمینیستی، نوسازی و تضاد اشاره کرد. فمینیست‌ها معتقدند که موقعیت زنان در خانه و خانواده جزئی از سیستم کل اجتماعی است که آن‌ها را تابع مردان ساخته است. مردان از زمانی که وارد بازار کار می‌شوند، معمولاً تا هنگام بازنشستگی، در نیروی کار باقی می‌مانند و مشارکت آنان تقریباً تحت تأثیر مراحل سیکل زندگی نیست. در صورتی که مشارکت زنان ناپیوسته و منقطع است. آن‌ها بارها در طول زندگیشان وارد

بازار کار شده و الگوی مشارکت آن‌ها تحت تأثیر تغییرات در زندگی‌شان مانند وضعیت تأهل، تعداد بچه‌ها و غیره است. معمولاً کسانی که فعالیت اقتصادی منظمی دارند، زنانی هستند که یا تحصیلات عالی دارند، یا ازدواج نکرده‌اند و یا بچه ندارند و اغلب در مشاغل هستند که ادامه‌ی نقش آنان در خانه است مثل تدریس، پرستاری و غیره. نظریات طرفداران حقوق اجتماعی زنان نشان می‌دهد که چگونه موقعیت زنان در بازار کار، بخشی از سیستم جامع اجتماعی است که زن در آن مقام پایین‌تری دارد (Zaare & Mir Bagheri, 2013).

بر اساس نظریه‌ی نوسازی، رشد تکنیکی ناشی از صنعتی شدن، باعث تغییر ساخت شغلی، فرصت‌های تحصیلی و ترکیب خانواده در اقتصاد پولی می‌شود. اقتصاد جدید ملازم با صنعتی شدن، موجب ایجاد صنایع خدمات و رشد مشاغل طبقه‌ی متوسط گردیده که اشتغال زنان از ویژگی‌های آن است (Azimi, 2001). فرآیند نوسازی، موجب گسترش ارزش‌های آزادی خواهانه گشته و ساخت اقتدار طلب جوامع سنتی را به ساخت دموکراتیک و مساوات طلبی جوامع مدرن تبدیل می‌کند. این فرآیند تأثیر جنسیت را خنثی می‌سازد.

به اعتقاد بسیاری از نظریه پردازان، تضاد سلطه‌ی مردان بر زنان و روابط بین این دو جنس، در فرآیند تولید شکل گرفته است. بر این اساس، در جریان تکامل جوامع و تغییر در اشکال تولید، مردان به روش‌های تولیدی جدید دست یافته و زنان در خانه برای فرزندزایی و پرورش کودکان باقی ماندند. غلبه‌ی مردان زمانی بیشتر شد که زنان به عنوان دارایی مطمئنی در نظر گرفته شدند که می‌بایست در خانه محبوس و محدود گردند. به اعتقاد مونی و دیگران، تسلط مداوم مردان به نظامی نیاز دارد که از نابرابری جنسی حمایت کند (Mooney et al, 2000).

### پرسش‌های پژوهش

وضعیت زنان روستایی مورد مطالعه از نظر سن، سطح تحصیلات، تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام و وضعیت اشتغال چگونه است؟

وضعیت زنان روستایی مورد مطالعه از نظر میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده چگونه است؟

رتبه بندی گرایش زنان روستایی به اشتغال چگونه است؟

میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال چه قدر است؟

## فرضیات پژوهش

بین گروه‌های مختلف زنان بر اساس وضعیت تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام، وضعیت اشتغال با میزان گرایش آنان به اشتغال تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد.

بین گرایش به اشتغال سطوح سنی مختلف زنان روستایی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

بین گرایش به اشتغال سطوح مختلف تحصیلات زنان روستایی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

## مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی این پژوهش در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است.



## روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد پیمایش و با هدف بررسی گرایش زنان روستایی شهرستان نجف آباد به اشتغال انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۷۳۵۴ نفر از زنان ۱۵-۶۴ سال ساکن در روستاهای شهرستان نجف آباد استان اصفهان بود که به منظور برآورد حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه ۱۷۶ نفر برآورد شد که به منظور دقت بیشتر، به ۱۸۰ نفر افزایش یافت.

بنابراین ۱۸۰ نفر از زنان روستایی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی با انتساب متناسب انتخاب شدند. در این مطالعه برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته استفاده شد که برای روایی ابزار تحقیق از روش اعتبار محتوایی استفاده گردید و مورد تأیید اساتید پردیس کشاورزی دانشگاه تهران قرار گرفت و پایایی آن با محاسبه‌ی آلفای کرونباخ حاصل از یک مطالعه‌ی پیش‌آزمون تأیید شد. میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای بخش‌های مختلف پرسش‌نامه در جدول (۱) نشان داده شده است.

منظور از میزان آزادی تحرک اجتماعی میزان اختیار مکان‌هایی است که زن می‌تواند به تنهایی و بدون نظارت شوهر رفت و آمد داشته باشد و با ۷ گویه (میزان رفت و آمد به مجالس مذهبی و مسجد، دیدن اقوام و دوستان، خرید از بازار شهر، مراجعه به خانه‌ی بهداشت، اماکن زیارتی، گردش در شهر، ادارات دولتی یا مراکز شهر و فروش محصولات در بازار شهر) در قالب طیف لیکرتی ۵ قسمتی (اصلاً تا خیلی زیاد ۰ تا ۵) سنجیده شد. هم‌چنین سنجش نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن با ۴ گویه (زن باید هم‌پای مرد در تأمین مخارج بکوشد، اشتغال زن باعث می‌شود وظایف خانوادگی خود را به خوبی انجام ندهد، اشتغال زن باعث تضعیف انسجام خانواده می‌شود و درآمد حاصل از اشتغال زن می‌تواند به ثبات اقتصادی خانواده کمک کند) در طیف ۵ قسمتی (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) انجام شد. میزان مردسالاری در خانواده با ۷ گویه (میزان تصمیم‌گیری بر اساس مشورت بین اعضای خانواده، تحت سلطه بودن زن توسط مرد، به‌کار بردن گفتار یا رفتار خشونت‌آمیز توسط مرد، میزان دخالت زن و مرد در تصمیم‌گیری، میزان حق مخالفت با نظر مرد، میزان تصمیماتی که توسط مرد گرفته می‌شود و میزان حق دخالت زن و مرد در امور خانوادگی) در قالب طیف لیکرتی ۵ قسمتی (اصلاً تا خیلی زیاد ۰ تا ۵) سنجیده شد. البته قابل ذکر است که در تمام موارد ذکر شده، گویه‌های منفی در جهت عکس نمره‌گذاری شده‌اند. میزان گرایش زنان به اشتغال نیز با ۲۰ گویه به صورت طیف لیکرتی ۵ قسمتی (اصلاً تا خیلی زیاد ۰ تا ۵) سنجیده شد. تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS انجام شد و از روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و در آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین t مستقل و تحلیل واریانس استفاده شد.

جدول ۱- آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های پرسش‌نامه

ردیف	مقیاس	تعداد گویه	آلفای محاسبه شده
۱	میزان آزادی تحرک اجتماعی	۸	۰/۸۹
۲	نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن	۴	۰/۷۱
۳	میزان مرد سالاری در خانواده	۷	۰/۸۰

## یافته‌های تحقیق

**پرسش ۱-** وضعیت زنان روستایی مورد مطالعه از نظر سن، سطح تحصیلات، تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام و وضعیت اشتغال چگونه است؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، زنان روستایی مورد مطالعه در محدوده‌ی سنی ۱۵ تا ۶۰ سال قرار داشته و میانگین سنی آن‌ها در حدود ۳۰ سال با انحراف معیار ۱۰ سال است. از نظر تحصیلات ۳۳/۳ درصد در وضعیت بی‌سوادی و کم سوادی (در حد ابتدایی) قرار گرفته اند، ۲۵/۶ درصد نمونه‌ی مورد مطالعه، تحصیلات در حد راهنمایی و متوسطه داشته و ۴۱/۱ درصد آنان تحصیلات دیپلم به بالا دارند. ۱۶/۷ درصد از افراد مجرد، ۸۱/۷ درصد متأهل و ۲/۷ درصد همسر خود را ازدست داده یا از همسر خود جدا شده‌اند.

بررسی عضویت زنان روستایی در تشکلهای روستایی نشان داد درصد قابل توجهی از زنان، یعنی ۶۸/۹ درصد یا به عبارتی ۱۲۴ نفر آن‌ها در هیچ سازمان روستایی عضویت نداشتند و تنها ۳۱/۲ (۵۶ نفر) درصد در تشکلهای روستایی عضویت داشتند.

بررسی وضعیت اشتغال زنان روستایی بیانگر آن بود که ۸۰/۰ درصد (۱۴۴ نفر) نتوانسته بودند درآمد مستقلی برای خود داشته باشند و تنها ۲۰/۰ درصد (۳۶ نفر) درآمد مستقلی برای خود داشتند. هم‌چنین ۷۵/۶ درصد (۱۳۶ نفر) از زنان روستایی پس اندازی برای خود نداشتند و تنها ۲۴/۴ درصد (۴۴ نفر) توانسته بودند برای خود پس انداز داشته باشند. بررسی وضعیت گرفتن وام زنان روستایی نیز نشان داد ۱۱۰ نفر (۶۱/۱ درصد) از زنان روستایی نخواستند یا نتوانسته بودند وامی بگیرند؛ در حالی که ۷۰ نفر (۳۸/۹ درصد) تا زمان انجام تحقیق وام گرفته بودند.

**پرسش ۲-** وضعیت زنان روستایی مورد مطالعه، از نظر میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده چگونه است؟

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۶۰/۶ درصد از زنان روستایی هیچ گونه مطالعه‌ای در روز ندارند. ۳۰/۵ درصد کمتر از یک ساعت و ۸/۹ درصد بیشتر از یک ساعت در روز مطالعه می‌کنند و بیشترین میزان مطالعه آن‌ها ۴ ساعت در روز است.

بررسی وضعیت میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی نشان داد، زنان روستایی بیشترین میزان آزادی تحرک اجتماعی را برای رفتن به مجالس مذهبی و مسجد با میانگین (۳/۵۶ از ۵) را دارند. سپس به ترتیب دیدن اقوام و دوستان با میانگین (۲/۹۲ از ۵)، خرید از بازار شهر با میانگین (۲/۴۶ از ۵)، مراجعه به خانه بهداشت با میانگین (۲/۳۱ از ۵)، اماکن زیارتی با میانگین (۲/۲۱ از



۵)، گردش در شهر با میانگین (۱/۷۴ از ۵)، ادارات دولتی یا مراکز شهر با میانگین (۱/۶۱ از ۵) قرار دارند. در نهایت زنان روستایی کمترین میزان آزادی تحرک اجتماعی را برای فروش محصولات در بازار با میانگین (۰/۶۶ از ۵) دارند. به طور کلی میانگین میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی (۲/۲۹ از ۵) بوده است. بنابراین می توان گفت میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی کمتر از حد متوسط (۳) بوده است.

بررسی نظر همسر/پدر را درباره‌ی اشتغال زنان نشان داد گویه «درآمد حاصل از اشتغال زن می تواند به ثبات اقتصادی خانواده کمک کند» با میانگین (۳/۶۶ از ۵) در رتبه‌ی اول، سپس گویه-های «اشتغال زن باعث می شود وظایف خانوادگی خود را به خوبی انجام ندهد» با میانگین (۳/۴۱ از ۵) و «اشتغال زن باعث تضعیف انسجام خانواده می شود» با میانگین (۳/۴۰ از ۵) قرار گرفتند. در نهایت، گویه‌ی «زن باید هم پای مرد در تأمین مخارج بکوشد» با میانگین (۳/۳۸ از ۵) در رتبه-ی آخر قرار گرفت. به طور کلی میانگین نظر همسر/پدر درباره‌ی اشتغال زنان (۳/۴۶ از ۵) بوده است. بنابراین نظر همسر/پدر پاسخگویان درباره‌ی اشتغال زنان بالاتر از حد متوسط (۳) بوده است. بررسی میزان مرد سالاری در خانواده نیز نشان داد، گویه‌ی «میزان تصمیماتی که توسط مرد گرفته می شود» با میانگین (۲/۵۲ از ۵) در رتبه‌ی اول قرار گرفت. سپس به ترتیب، گویه‌های «میزان تحت سلطه بودن زن توسط مرد» با میانگین (۲/۰۳ از ۵)، «میزان حق مخالفت با نظر مرد» با میانگین (۱/۶۴ از ۵)، «میزان تصمیم‌گیری بر اساس مشورت بین اعضای خانواده» با میانگین (۱/۵۲ از ۵)، «میزان به کار بردن گفتار یا رفتار» و «میزان حق دخالت زن و مرد در امور خانوادگی» با میانگین (۱/۴۱ از ۵) در رتبه‌ی آخر واقع شدند. به طور کلی میانگین میزان مرد سالاری در خانواده (۱/۷۱ از ۵) بوده است. بنابراین می توان گفت میزان مردسالاری در خانواده‌ی پاسخگویان پایین بوده است.

### پرسش ۳- رتبه بندی گرایش زنان روستایی به اشتغال چگونه است؟

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول (۲)، بیشترین گرایش زنان روستایی به اشتغال، به ترتیب برای کمک به ثبات اقتصادی خانواده، تربیت بهتر فرزندان، احساس همدلی بیشتر با همسر/پدر و برخورداری از سلامت روحی و عاطفی است. از طرف دیگر، کاهش وابستگی اقتصادی به همسر/پدر و افزایش محبت و تقدیر همسر/پدر کمترین دلایل زنان برای اشتغال است.

### جدول ۲- رتبه بندی گرایش زنان روستایی به اشتغال

رتبه	ضرب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۳۶	۱/۱۷	۳/۴۸	تمایل به اشتغال برای کمک به ثبات اقتصادی خانواده

۲	۰/۳۴۷	۱/۲۵	۳/۶۰	تمایل به اشتغال برای تربیت بهتر فرزندان
۳	۰/۳۷۱	۱/۲۴	۳/۳۴	تمایل به اشتغال برای احساس همدلی بیشتر با همسر/پدر
۴	۰/۳۷۶	۱/۲۷	۳/۳۷	تمایل به اشتغال برای برخورداری از سلامت روحی و عاطفی
۵	۰/۳۸۲	۱/۳۴	۳/۵۰	تمایل به اشتغال برای شکوفایی استعداد
۶	۰/۳۹۰	۱/۴۴	۳/۶۹	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل نداشتن کنترل بر مصرف درآمد
۷	۰/۳۹۲	۱/۳۳	۳/۳۹	تمایل به اشتغال برای کاهش احساس کسالت و بیهودگی
۸	۰/۳۹۴	۱/۳۹	۳/۵۲	تمایل به اشتغال برای داشتن استقلال مالی
۹	۰/۴۰۰	۱/۳۹	۳/۴۷	تمایل به اشتغال برای بالا بردن اعتماد به نفس
۱۰	۰/۴۰۲	۱/۳۸	۳/۴۳	تمایل به اشتغال برای تلاش در تأمین مخارج هم‌پای پدر/همسر
۱۱	۰/۴۰۳	۱/۴۲	۳/۵۲	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل جلوگیری از جدایی اعضای خانواده
۱۲	۰/۴۰۵	۱/۳۹	۳/۴۳	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل جلوگیری از تضعیف کانون خانواده
۱۳	۰/۴۰۸	۱/۴۲	۳/۴۸	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل جلوگیری از کاهش انسجام خانواده
۱۴	۰/۴۱۱	۱/۴۵	۳/۵۲	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل وظیفه‌ی مرد بودن کار بیرون
۱۵	۰/۴۳۶	۱/۴۴	۳/۳۰	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل ممانعت خستگی کار بیرون برای انجام کارهای خانه
۱۶	۰/۴۴۰	۱/۴۸	۳/۳۶	*عدم تمایل به اشتغال به دلیل ممانعت از انجام وظایف خانوادگی
۱۷	۰/۴۴۳	۱/۴۶	۳/۲۹	تمایل به اشتغال برای داشتن نشاط در زندگی
۱۸	۰/۴۵۷	۱/۴۶	۳/۱۹	تمایل به اشتغال برای تصمیم‌گیری بهتر در امور خانه
۱۹	۰/۴۸۰	۱/۵۰	۳/۱۲	تمایل به اشتغال برای کاهش وابستگی اقتصادی به همسر/پدر
۲۰	۰/۶۵۲	۱/۶۹	۲/۵۹	تمایل به اشتغال برای افزایش محبت و تقدیر همسر/پدر

\*گویه‌های منفی در جهت عکس نمره گذاری شده‌اند. طیف: اصلاً = ۰ تا بسیار زیاد = ۵

### یافته‌های استنباطی

پرسش ۴- میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال چقدر است؟

به منظور تقسیم بندی گرایش به اشتغال از شاخص تفاوت انحراف معیار از میانگین (ISDM)<sup>۱</sup>

براساس فرمول زیر استفاده شده است (Rezaei & Zarei, 2014)

$$A) \bar{x} + \frac{1}{2} sd$$

گرایش بالا

$$B) \bar{x} - \frac{1}{2} sd$$

Interval of Standard Deviation from the Mean

= گرایش متوسط B

$$\bar{x} - \frac{1}{2}sd > C$$

= گرایش پایین C

نتایج تقسیم‌بندی گرایش زنان روستایی به اشتغال درجدول (۳) نشان می‌دهد، تنها گرایش به اشتغال ۲۶/۷ درصد (۴۸ نفر) زنان روستایی پایین است، در حالی که ۳۸/۳ درصد (۶۹ نفر) گرایش متوسط و ۳۵/۰ درصد (۶۳ نفر) از زنان روستایی گرایش بالا به اشتغال داشته‌اند. بنابراین می‌توان گفت، گرایش به اشتغال ۷۳/۳ درصد زنان روستایی متوسط رو به بالا است.

جدول ۳- توزیع فراوانی زنان روستایی براساس میزان گرایش آنان به اشتغال

گرایش زنان روستایی به اشتغال	فراوانی (نفر)	درصد	درصد تجمعی
پایین	۴۸	۲۶/۷	۲۶/۷
متوسط	۶۹	۳۸/۳	۶۵/۰
بالا	۶۳	۳۵/۰	۱۰۰/۰
جمع	۱۸۰	۱۰۰	-

**فرضیه ۱-** بین گروه‌های مختلف زنان بر اساس وضعیت تأهل، عضویت در نهادهای روستا، دریافت وام، وضعیت اشتغال با میزان گرایش آنان به اشتغال، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به منظور مقایسه‌ی میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال بر اساس گروه‌بندی‌های تأهل، عضویت در تشکل‌ها، وضعیت اشتغال، داشتن پس‌انداز و وام گرفتن از آزمون t مستقل استفاده شد. با توجه به میانگین می‌توان گفت، دختران مجرد، زنان روستایی که در تشکل‌ها عضویت داشته‌اند، شاغل بوده‌اند، پس‌انداز داشته‌اند و وام نگرفتند، گرایش بیشتری به اشتغال داشته‌اند. هر چند با توجه به یافته‌های جدول (۴)، تفاوت معنی‌داری بین دختران مجرد و زنان متأهل، کسانی که در تشکل‌ها عضو هستند و کسانی که نیستند، زنانی که شاغلند و آن‌هایی که شاغل نیستند، داشتن یا نداشتن پس‌انداز، کسانی که وام گرفته‌اند و کسانی که وام نگرفته‌اند، با گرایششان به اشتغال تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۴- مقایسه‌ی گرایش زنان روستایی به اشتغال بر اساس گروه‌بندی‌های مختلف

متغیر پارامتری	متغیر گروه‌بندی	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t	سطح معنی‌داری
C <sub>1</sub> < C <sub>2</sub> < C <sub>3</sub>	تأهل	مجرد	۷۳/۳۷	۱۵/۹۱	۲/۹۰	۱/۷۸۶	۰/۰۷۶
		متأهل	۶۶/۲۷	۲۰/۵۱	۱/۶۹		
		بلی	۶۸/۶۱	۱۹/۶۵	۲/۶۰	۰/۴۶۸	۰/۶۴۰

		۱/۸۰	۱۹/۹۹	۶۷/۱۲	خیر	تشکل‌ها
۰/۱۰۸۵	۱/۷۴۸	۲/۵۶	۱۵/۳۸	۷۱/۹۲	بلی	شاغل
		۱/۷۲	۲۰/۷۱	۶۶/۵۱	خیر	
۰/۳۹۹	۰/۸۴۶	۳/۰۱	۲۰/۰۲	۶۹/۸۰	بلی	داشتن پس
		۱/۶۹	۱۹/۸۱	۶۶/۸۸	خیر	انداز
۰/۴۴۹	۰/۷۵۹	۲/۴۴	۲۰/۴۹	۶۶/۱۹	بلی	تاکون و ام
		۱/۸۵	۱۹/۴۶	۶۸/۴۹	خیر	گرفتن

**فرضیه ۲-** بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه‌ی بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده، از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. نتایج به دست آمده در جدول (۵) نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز ۰/۱۹۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۹ می‌باشد. بنابراین رابطه‌ی معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز وجود دارد و با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی، این رابطه مثبت است؛ یعنی زنان روستایی با ساعت مطالعه‌ی بیشتر، گرایش بالاتری به اشتغال دارند. هم‌چنین ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به اشتغال و میزان آزادی تحرک اجتماعی ۰/۰۸۲ با سطح معنی‌داری ۰/۲۷۲ است. با توجه به این‌که سطح معنی‌داری بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین رابطه‌ی معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و میزان آزادی تحرک اجتماعی وجود ندارد. افزون بر این، ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به اشتغال و نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن ۰/۲۰۲ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۷ می‌باشد. بنابراین رابطه‌ی معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن وجود دارد و مثبت بودن ضریب همبستگی نشان دهنده‌ی مثبت بودن این رابطه است؛ به بیان دیگر، زنان روستایی که همسر/پدر آنان نگرش مثبتی به اشتغال زن دارد، گرایش بالاتری به اشتغال دارند. در نهایت، ضریب همبستگی پیرسون، بین گرایش به اشتغال و میزان مرد سالاری در خانواده ۰/۲۱۷- با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ به دست آمده است. با توجه به این‌که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین رابطه‌ی بین گرایش به اشتغال و میزان مرد سالاری در خانواده از لحاظ آماری معنی‌داری است؛ اما منفی بودن ضریب همبستگی نشان دهنده‌ی منفی بودن رابطه می‌باشد. به عبارت دیگر، زنان روستایی که میزان مردسالاری در خانواده‌ی آنان کمتر است، گرایش بالاتری به اشتغال دارند.

**جدول ۵-** ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده

میزان مرد سالاری در خانواده	میزان مطالعه در روز	میزان آزادی تحرک اجتماعی	نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن	میزان آزادی تحرک اجتماعی
۰/۲۱۷**	۰/۱۹۴**	۰/۰۸۲	۰/۲۰۲**	۰/۰۸۲
۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۲۷۲	۰/۰۰۷	۰/۲۷۲

\*\* معنی داری در سطح یک درصد

**فرضیه ۳-** بین گرایش به اشتغال سطوح سنی مختلف زنان روستایی تفاوت معنی دار وجود دارد.

برای مقایسه‌ی میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال در بین سطوح سنی مختلف، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری در سطح پنج درصد بین چهار سطح سنی در میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال وجود دارد. براساس نتایج آزمون دانکن، جدول (۶) سطوح سنی از نظر میزان گرایش به اشتغال به دو گروه مختلف تقسیم می‌شوند. سطوح سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و ۲۱ تا ۳۰ سال در یک گروه قرار دارند و تفاوت معنی داری ندارند. در حالی که سطح سنی ۴۱ سال و بالاتر با سطح سنی ۲۰ سال و پایین تر، از نظر میزان گرایش به اشتغال تفاوت معنی داری دارند. بدین ترتیب که افراد سطح سنی ۲۰ سال و پایین تر گرایش بیشتری به اشتغال داشته اند.

**جدول ۶-** نتایج آزمون تجزیه واریانس یک طرفه مقایسه‌ی سطوح سنی براساس میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال

مجموع مربعات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معنی داری sig
۳۹۵۲/۸۹۵	۳	۱۳۱۷/۶۳۲	۴۸	۰/۰۱۷*
۶۶۵۵۰/۴۹۹	۱۷۶	۳۷۸/۱۲۸	۳/۵	
۷۰۵۰۳/۳۹۴	۱۷۹			

\* معنی داری در سطح پنج درصد

جدول ۷- نتایج آزمون دانکن گروه‌بندی سطوح سنی براساس میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال

سطوح سنی	فراوانی	تفاوت بین گروه‌ها
		۱      ۲
آزمون ۴۱ سال و بالاتر	۲۸	۶۰/۲۵
دانکن ۳۱ تا ۴۰ سال	۴۴	۶۳/۵۷
۲۱ تا ۳۰ سال	۷۸	۶۹/۹۹
۲۰ سال و کمتر از آن	۳۰	۷۴/۱۳
معنی‌داری sig		۰/۰۳۹      ۰/۰۲۵

**فرضیه ۴-** بین گرایش به اشتغال سطوح مختلف تحصیلات زنان روستایی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

نتایج به دست آمده از جدول (۸) نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در سطح یک درصد بین سطوح مختلف سواد در میزان گرایش به اشتغال وجود دارد. براساس نتایج آزمون دانکن، جدول (۹) سطوح سواد از نظر میزان گرایش به اشتغال به دو گروه مختلف تقسیم می‌شود که درون گروه‌ها تفاوتی از نظر میزان گرایش ندارند. براساس این جدول سطح سواد راهنمایی تا دیپلم و سطح فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر، از نظر میزان گرایش به اشتغال تفاوت معنی‌داری ندارند؛ اما این سطوح با سطح سواد خواندن و نوشتن و ابتدایی از نظر میزان گرایش به اشتغال تفاوت معنی‌داری دارند. بدین ترتیب که گروه دوم (سطح سواد راهنمایی تا دیپلم و فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر) نسبت به گروه اول (سطح سواد خواندن و نوشتن و ابتدایی) گرایش بیشتری به اشتغال دارند.

جدول ۸- نتایج آزمون تجزیه واریانس یک طرفه مقایسه‌ی سطوح مختلف سواد براساس میزان گرایش

زنان روستایی به اشتغال

مجموع مربعات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معنی‌داری sig
۳۷۴۸/۴۴۵	۲	۱۸۷۴/۲۲۲	۱/۹۶۹	**۰/۰۰۸
۶۶۷۵۴/۹۵۰	۱۷۷	۳۷۷/۱۴۷	۴	

بین  
گروه‌ها  
درون

گروه‌ها		
کل	۱۷۹	۷۰۵۰۳/۳۹۴
**معنی داری در سطح یک درصد		

جدول ۹- نتایج آزمون دانکن گروه‌بندی سطوح سواد براساس میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال

تفاوت بین گروه‌ها	فراوانی	سطح سواد
۲	۱	
	۶۱/۱۷	۶۰ خواندن و نوشتن و ابتدایی
۷۰/۵۳	۹۲	آزمون راهنمایی تا دیپلم
۷۱/۷۱	۲۸	دانکن فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر
۰/۷۶	۱/۰۰	معنی‌داری sig

## نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین سنی زنان روستایی مورد مطالعه، در حدود ۳۰ سال با انحراف معیار ۱۰ سال بود. ۴۰ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه در سطح دیپلم و بیش از ۸۰ درصد آنان متأهل بودند. بررسی عضویت زنان روستایی در تشکل‌های روستایی نشان داد در حدود ۷۰ درصد آنان در هیچ سازمان روستایی عضویت نداشتند. همچنین بررسی وضعیت اشتغال زنان روستایی بیانگر آن بود که تنها ۲۰/۰ درصد آنان درآمد مستقلی برای خود داشتند. افزون بر این، بیش از ۷۰ درصد زنان روستایی پس اندازی برای خود نداشتند و تنها در حدود ۴۰ درصد آنان تا زمان انجام تحقیق وام گرفته بودند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که حدود ۶۰ درصد از زنان روستایی هیچ گونه مطالعه‌ای در روز نداشتند. بررسی وضعیت میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی نشان داد، به طور کلی میانگین میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی (۲/۲۹ از ۵) و کمتر از حد متوسط (۳) به دست آمده است. بررسی نظر همسر/پدر را درباره‌ی اشتغال زنان نشان داد، میانگین نظر همسر/پدر درباره‌ی اشتغال زنان (۳/۴۶ از ۵) و بالاتر از حد متوسط (۳) بوده است. بررسی میزان مرد سالاری

در خانواده نیز بیانگر آن بود که به طور کلی میانگین میزان مرد سالاری در خانواده (۱/۷۱ از ۵) و در سطح پایین بوده است.

در بررسی گرایش زنان به اشتغال، بیشترین گرایش آنان برای کمک به ثبات اقتصادی خانواده، تربیت بهتر فرزندان، احساس همدلی بیشتر با همسر/پدر و برخورداری از سلامت روحی و عاطفی است. مطابق با یافته‌های طالبی فر (Talebi Far, 2001)، سفیری (Safiri, 2001)، امینی و احمدی شاپورآبادی (Amini & Ahmadi Shapourabadi, 2007) آگهی و همکاران (Agahi et al, 2012) و جمشیدی و همکاران (Jamshidi et al, 2013) نیز دلیل اصلی تمایل و اشتغال زنان روستایی نیاز اقتصادی و کسب استقلال بیشتر است.

در تقسیم‌بندی میزان گرایش زنان به اشتغال ۳۵ درصد زنان دارای گرایش بالا، حدود ۴۰ درصد دارای گرایش متوسط و تنها حدود ۲۵ درصد از زنان روستایی گرایش پایین به اشتغال دارند. بنابراین می‌توان گفت، گرایش به اشتغال بیش از ۷۰ درصد زنان روستایی متوسط رو به بالا است. نتایج مطالعه‌ی یعقوبی فرانی و همکاران (Yaghoubi Farani et al, 2014) نیز نشان داد که نگرش زنان روستایی به راه اندازی مشاغل خانگی در حد مطلوبی است. در حالی که تحقیق سواری و همکاران (Savari et al, 2014) نشان داد زنان روستایی نگرش مساعدی نسبت به فعالیت در بخش صنایع دستی ندارند.

نتیجه‌ی آزمون t مستقل برای مقایسه‌ی میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال بر اساس گروه-بندی‌های تأهل، عضویت در تشکل‌ها، وضعیت اشتغال، داشتن پس انداز و وام گرفتن نشان داد، تفاوت معنی‌داری بین دختران مجرد و زنان متأهل بر اساس گرایش آنان به اشتغال وجود ندارد. سواری و همکاران (Savari et al, 2014) نیز در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که بین نگرش زنان روستایی نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی بر اساس وضعیت تأهل، اختلاف معناداری وجود ندارد. هم‌چنین نتایج پژوهش تقی بیگی و همکاران (Taghibaygi et al, 2014) بین وضعیت تأهل و توسعه کسب و کارهای خانگی، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. هم‌چنین نتایج نشان داد، کسانی که در تشکل‌ها عضو هستند و کسانی که نیستند، زنانی که شاغلند و آن‌هایی که شاغل نیستند، داشتن یا نداشتن پس انداز، کسانی که وام گرفته‌اند و کسانی که وام نگرفته‌اند، با گرایش‌شان به اشتغال، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. هر چند مقایسه‌ی میانگین نشان می‌دهد کسانی که وام گرفته‌اند، گرایش کمتری به اشتغال دارند این نشان می‌دهد، وام دادن نتوانسته است منجر به افزایش گرایش زنان روستایی به اشتغال شود. البته یافته‌ی تقی بیگی و همکاران (Taghibaygi et al, 2014) نشان داد، ارتباط مثبت و معناداری بین عضویت در تشکل‌ها و توسعه‌ی مشاغل خانگی وجود دارد. بنابراین می‌تواند نشان دهد که با وجود این‌که تشکل‌ها قابلیت بالقوه



برای افزایش زمینه‌های اشتغال زنان روستایی دارند، تشکلهای در منطقه‌ی مورد نظر پژوهش حاضر نتوانسته‌اند به افزایش گرایش و زمینه‌های اشتغال زنان روستایی منتهی شوند.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه‌ی بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز، میزان آزادی تحرک اجتماعی، نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن و میزان مرد سالاری در خانواده، حاکی از آن بود که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و میزان مطالعه در روز وجود دارد؛ در حالی که رابطه‌ی معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و میزان آزادی تحرک اجتماعی زنان روستایی وجود ندارد. افزون بر این، یافته‌ها نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مثبت معنی‌داری بین گرایش به اشتغال و نظر همسر/پدر نسبت به اشتغال زن می‌باشد. نوری و علی محمدی (Noori & Ali Mohamadi, 2009) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نظر همسر و خانواده، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر فعالیت اقتصادی زنان منطقه‌ی روستایی برآن است. هم‌چنین رابطه‌ی بین گرایش به اشتغال و میزان مرد سالاری در خانواده، معنی‌دار ولی منفی به‌دست آمد. این یافته کاملاً منطقی به نظر می‌رسد؛ زیرا هر چه در خانواده‌ای میزان مرد سالاری کمتر باشد، زنان گرایش و توانایی بیشتر برای فعالیت و مشارکت در اجتماع و هم‌چنین اشتغال دارند.

مقایسه‌ی سطوح سنی براساس میزان گرایش زنان به اشتغال نشان داد که تفاوت معنی‌داری، در سطح پنج درصد، بین سطوح سنی در میزان گرایش زنان به اشتغال وجود دارد. به‌طوری که افراد سطح سنی ۲۰ سال و پایین‌تر گرایش بیشتری به اشتغال دارند.

مقایسه‌ی سطوح مختلف سواد براساس میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال، نشان داد که افراد با سطح تحصیلات بالاتر، گرایش بیشتری به اشتغال دارند. سواری و همکاران (Savari et al, 2014) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که زنان روستایی که از میزان تحصیلات بالایی برخوردار هستند، نگرش مساعدتری نسبت به اشتغال در بخش صنایع دستی دارند. هم‌چنین یافته‌ی تقی بیگی و همکاران (Taghibaygi et al, 2014) نشان داد، ارتباط مثبت و معناداری بین سطح تحصیلات زنان و توسعه‌ی مشاغل خانگی وجود دارد.

به منظور بهبود گرایش زنان روستایی به اشتغال، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به این‌که گرایش به اشتغال بیش از ۷۰ درصد زنان روستایی مورد مطالعه، متوسط رو به بالا است، پیشنهاد می‌شود از طریق راه‌های مختلف مانند تشکیل تعاونی‌های زنان در روستا امکان بهره‌گیری از این نیروی عظیم بالقوه فراهم شود.

از آن‌جا که تفاوتی بین میزان گرایش به اشتغال زنان روستایی که وام گرفته‌اند و وام نگرفته‌اند وجود ندارد، بنابراین لازم است وام‌های اشتغال‌زایی هدفمندتر و با پیگیری مسئولین مربوطه منوط به استفاده از وام در امور اشتغال‌زایی صورت گیرد.

با توجه به این که تفاوتی بین میزان گرایش به اشتغال زنان روستایی که در تشکل‌ها عضو هستند و آنانی که نیستند وجود ندارد، بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که تشکل‌های منطقه فعال تر شوند و تلاش شود تا قابلیت بالقوه‌ی این تشکل‌ها برای افزایش زمینه‌ها و گرایش به اشتغال زنان روستایی بالفعل گردد.

با توجه به این که زنان روستایی ۲۰ سال و پایین‌تر و نیز زنان روستایی با سطح تحصیلات بالاتر گرایش بیشتری به اشتغال دارند. بنابراین لازم است زمینه‌ی ایجاد اشتغال برای این گروه زنان روستایی که تحصیل کرده و جوان هستند، فراهم شود.

## References

- Agahi, H. Mirakzadeh, A.A. & Taghibaygi, M. (2012). Prioritization of effective factors in the development of household jobs in West Islamabad, *Women & Sociology*, 3(3), 181-202. (Persian)
- Ajzen, J., Fishbein, M. (1977). Attitude- behavior relations: A Theoretical analysis and review of empirical research, *Psychological Bulletin*, 84, 888- 918.
- Amini, A., & Ahmadi Shapourabadi, M. (2007). Occupation of rural women in two counties Borkhar-Meime and Flavarjan of Isfahan Province and evaluating its effect on their economic self-sufficiency, *Women Studies*, 5(1), 65-91. (Persian)
- Azimi, L. (2001). Investigating effective factors on women's social participation, case study Shiraz City, MSc thesis in sociology, Shiraz University, Shiraz. (Persian)
- Jamshidi, A., Sidaee, S.E., Jamshidi, M. & Jamini, D. (2013). Analysing the effects of nomadic women's occupation on household economy (case study: nomads in Chardavol County), *Journal of Zonal Planning*, 3(12), 83-92. (Persian)
- Mooney, L. A., Knox, D & Schacht, C. (2000). Understanding social problem, London: Wadsworth.
- Nakhoda, M., Rahimian, S., Esmaili Givi, M.R. (2014). Explaining the effects of women's psychological empowerment on their knowledge services, *Women in Development & Politics*, 12(3), 469-488. (Persian)
- Noori, S.H. & Ali Mohamadi, N. (2009). An analysis of rural women economical activities (case study: Baraan region\_ Isfahan city), [Geography and Environmental Planning](#), 20(2), 87-104. (Persian)
- Nouripour, M., Tavakoli Tabar, Z. & Mirzaee, Sh. (2014). Analysis of social capital in rural women members and non-members of the cooperatives; The case of central District of Choram County, *Women in Development & Politics*, 12(1), 135-151. (Persian)
- Rezaei, R. & Vadadi, E. (2014). Identifying and analyzing barriers of women's economic participation in rural areas of Zanjan Province (case study:

Abharroud Township), Iranian Journal of Agricultural Economics and Development, 45(3), 501-510. (Persian)

- Rezaei, R. & Zarei, S. (2014). Viewpoints of rural women on effect of social capital components on their empowerment (Case study: Hassan- Khan village, Ghorveh Township, Women in Development & Politics, 12(2), 287-304. (Persian)

- fff rri, Kh. (2001). Brrrrrrs and probmmsnof womnn s occupooon and sss consequences, Job and Society, 39. (Persian)

- Savari, M., Mokhlesabadi Farahani, M., Saki, S., & Shabanali Fami, H. (2014). Analysis the attitude of rural women in Divandarreh County toward handicrafts sector employment, Research and Rural Planning, 2(4), 259-286. (Persian)

- Sharbatian, M. H. (2009). oollll ll ccss nnd brrrrrrs of womnn s employment, Peyke Nour, 7(3), 85-95. (Persian)

- Taghavi, N. & Soltani, M. (2009). Investigating relative factors to female sudenss eendnncy oooudhor occupooon, Sociology, 1(3), 149-167. (Persian)

- Taghibaygi, M., Agahi, H. & Mirakzadeh, A.A. (2014). A study of barriers and suitable solution in development of rural household jobs from the perspective of rural women and expert in the city of West Islamabad, Journal of Rural Research, 5(2), 283-310. (Persian)

- Talebi Far, A.M. (2001). Investigating socio economic effective factors on womnn s occupooon, hh eentt County, .... Thiii s nn soooogy, Esfhan University, Esfahan. (Persian)

- Tavassoli, A. & Rafiee Khonani, F. (2008). A survey about the factors affecting women s eendnncy towrrd giini ng a job oussd hle home (A aase study of Medical services insurance organization), Social Science Research, 2(2), 5-33. (Persian)

- Yaghoubi Farani, A., Soleimani, A. & Movahedi, R. (2015). Analysis of effective factors on rural womnn s enrpprneurshpp Women s tt udsss (Sociological & Psychological), 12(4), 7-42. (Persian)

- Yaghoubi Farani, A., Vahdat Moaddab, H. & Latifi, S. (2014). Identifying nrhbboos of rurll women s rrrnd oo home businsssss (Ceee study: rrr drod district, Razan County), Women in Development & Politics, 11(4), 559-574. (Persian)

- Zaare, B. & Mir Bagheri, A. (2013). Individual and social factors related to rurll womnn s nndnncy ooprppppppnnmrrro-credit fund in Mazandaran, Social Welfare Quarterly, 12(46), 399-431. (Persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی